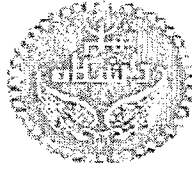


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱۱۳۴۴



دانشگاه تهران
دانشکده حقوق و علوم سیاسی

عنوان:

تهدید بنیاد گرایی اسلامی در آسیای مرکزی
(با تأکید بر ازبکستان)

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر سید داوود آقایی

استاد مشاور:

سرکار خانم دکتر الهه کولایی

نگارش:

محمد رضا دمیری

پایان نامه برای دریافت دانشنامه کارشناسی ارشد در رشته مطالعات منطقه ای

۱۳۸۸ / ۳ / ۳۱

بهمن ماه ۱۳۸۷

۱

کتابخانه اساتید بزرگ علمی ایران
تاسیس در آرنک

۱۱۳۴۳۳



دانشکده حقوق و علوم سیاسی
گروه آموزشی مطالعات منطقه ای
گواهی دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد

هیات داوران پایان نامه کارشناسی ارشد : محمد رضا دمیری
در رشته : مطالعات منطقه ای
با عنوان : تهدید بنیادگرایی اسلامی در آسیای مرکزی با تاکید بر ازبکستان
را در تاریخ : ۸۷/۱۲/۱۹

به عدد	به حروف
۱۸	هجده

با نمره نهایی :

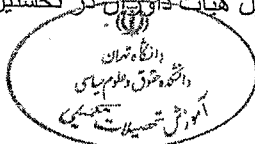
ارزیابی نمود .

عالی

با درجه :

ردیف	مشخصات هیات داوران	نام و نام خانوادگی	مرتبۀ دانشگاهی	دانشگاه یا موسسه	امضاء
۱	استاد راهنما استاد راهنمای دوم (حسب مورد):	دکترسید داود آقایی	استاد	دانشکده حقوق و علوم سیاسی	
۲	استاد مشاور	دکتراله کولایی	استاد	دانشکده حقوق و علوم سیاسی	
۳	استاد داور (با استاد مشاور دوم)	دکتر حمید احمدی	استاد	دانشکده حقوق و علوم سیاسی	
۴	استاد مدعو				
۵	نماینده کمیته تحصیلات تکمیلی گروه آموزشی :	دکتراله کولایی	استاد	دانشکده حقوق و علوم سیاسی	

تذکر : این برگه پس از تکمیل هیات داوران در نخستین صفحه پایان نامه درج می گردد .



شماره _____
تاریخ _____
پوست _____

جمهوری اسلامی ایران
دانشگاه تهران



اداره کل تحصیلات تکمیلی

باسمه تعالی

تمهید نامه اصالت اثر

اینجانب *محمدعلی...* متعهد می شوم که مطالب مندرج در این پایان نامه / رساله حاصل کار پژوهشی اینجانب است و به دستاوردهای پژوهشی دیگران که در این پژوهش از آنها استفاده شده است، مطابق مقررات ارجاع و در فهرست منابع و مأخذ ذکر گردیده است. این پایان نامه / رساله قبلاً برای احراز هیچ مدرک هم سطح یا بالاتر ارائه نشده است. در صورت اثبات تخلف (در هر زمان) مدرک تحصیلی صادر شده توسط دانشگاه از اعتبار ساقط خواهد شد. کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به پردیس / دانشکده / مرکز دانشگاه تهران می باشد.

نام و نام خانوادگی دانشجو *محمدعلی...*
امضاء *محمدعلی...*

آدرس : خیابان انقلاب اول خیابان لمر رازی - پلاک ۵ - کد پستی : ۱۳۰۴۵/۵۶۸
لاکس : ۶۴۹۷۳۱۱

چکیده:

بنیاد گرایی اسلامی به عنوان یک جریان تندرو مدعی بازگشت به اسلام راستین، در صحنه داخلی کشورها و همچنین روابط بین الملل به عنوان یک تهدید و رقیب جدی در جوامع کنونی تبدیل شده است.

از آنجا که این جریان اندیشه خود را راستین و به حق می داند، در جهت پیاده کردن آرمانها و اهداف خود به روشهای خشونت طلبانه و تروریستی متوسل می شود و سر سازش با دنیای مدرن ندارد.

یکی از این جوامع که جریانات مذهبی در آن فعال می باشد، منطقه آسیای مرکزی با مرکزیت جمهوری ازبکستان می باشد.

بی شک در تقویت این جریان های اسلامی، گروههای بین المللی، سایر کشورها و جریان تندرو طالبان و همچنین شرایط داخلی حاکم بر جامعه نقش فعالی داشته است.

این عامل، یعنی بنیاد گرایی اسلامی، توانسته است تهدید و رقیب اصلی بر امنیت و حاکمیت کشورهای آسیای مرکزی بویژه ازبکستان باشد.

تشکر و قدردانی:

بر خود لازم می دانم که از زحمات و راهنمایی های عالمانه و راهگشای اساتید محترم جناب آقای دکتر سید داود آقایی به عنوان استاد راهنما و سر کار خانم دکتر الهه کولایی به عنوان استاد مشاور، کمال قدردانی و تشکر را داشته باشم. همچنین از جناب آقای دکتر حمید احمدی که داوری پایان نامه اینجانب را متقبل شدند قدردانی می نمایم.

تقدیم به پدر و مادرم که:

وجودم برایشان همه رنج بود و وجودشان برایم همه مهر، مویشان سپیدی

گرفت تا رویم سپید بماند....

آنانکه فروغ نگاهشان، گرمی کلامشان و روشنایی رویشان سرمایه جاودانگی

زندگی ام هستند

آنانکه راستی قامت در شکستگی قامتشان تجلی یافت. در برابر وجود

گرامیشان زانوی ادب بر زمین می نهم و با دلی مملو از عشق و محبت بر

دستانشان بوسه میزنم به امید آن روزی که.....

و در نهایت تقدیم به برادر زاده ام :

امیر آرشام

فصل اول: کلیات و تعریف مفاهیم.....	۱
کلیات:	۲
طرح مساله:	۲
فرضیه های پژوهش:	۴
فرضیه اصلی:	۴
فرضیه فرعی:	۴
متغیرهای پژوهش:	۵
۱- بنیادگرایی اسلامی:	۵
۲- تنوع قومیت:	۵
بررسی ادبیات موجود:	۵
هدف پژوهش:	۷
پیامدهای اثبات فرضیه اصلی:	۷
نقطه تمرکز:	۸
سازماندهی پژوهش:	۸
تعریف مفاهیم:	۹
جمع بندی و نتیجه:	۲۹
فصل دوم: بررسی ویژگی های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی کشورهای آسیای مرکزی و تنوع قومیت	
.....	۳۱
ویژگی های سیاسی کشورهای آسیای مرکزی:	۳۲
آشنایی اجمالی با ویژگی های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، قومی، و زبانی، جمهوری های آسیای	
مرکزی:	۳۷
قومیت:	۵۶
آزمون فرضیه و نتیجه:	۷۰
جمع بندی و نتیجه:	۷۵
فصل سوم: بررسی پیشینه تاریخی اسلام و بنیادگرایی اسلامی در آسیای مرکزی.....	۷۷

۷۸.....	پیشینه تاریخی اسلام در آسیای مرکزی:
۸۶.....	بررسی کلی ادیان و مذاهب در جمهوری های آسیای مرکزی:
۱۰۰.....	بررسی روند اسلام گرایی در آسیای مرکزی:
۱۰۸.....	جمع بندی و نتیجه:
۱۱۱.....	فصل چهارم: بررسی عامل بنیادگرایی در کشورهای آسیای مرکزی بویژه ازبکستان
۱۱۲.....	تعریف مفاهیم.....
۱۱۵.....	بنیادگرایی اسلامی در آسیای مرکزی:
۱۱۸.....	بررسی زمینه ها و دلایل گسترش بنیادگرایی اسلامی در منطقه:
۱۲۶.....	احزاب سیاسی و تشکیلات مذهبی کشور ازبکستان:
۱۵۲.....	بنیادگرایی اسلامی و مساله امنیت:
۱۵۶.....	مواضع کشورهای فرا منطقه ای با بنیادگرایی در آسیای مرکزی:
۱۶۴.....	جمع بندی نهایی و نتیجه:
۱۷۳.....	فهرست منابع:

فصل اول:

کلیات و تعریف مفاهیم

کلیات:

طرح مساله:

آسیای مرکزی گستره جغرافیایی است که از دریای خزر در غرب شروع و تا چین در شرق ادامه ادامه می یابد. کشورهای تازه به استقلال رسیده پس از سقوط اتحاد جماهیر شوروی واقع در آسیای مرکزی شامل پنج کشور: ازبکستان، تاجیکستان، ترکمنستان، قرقیزستان و قزاقستان در حدود جمعیتی بیش از ۵۰ میلیون نفر و به مساحت ۳۹۹۴۴۰۰ کیلومتر مربع در خود جای داده است. آسیای مرکزی در طول تاریخ خود در زمان حمله اعراب مسلمان، مغولان، تیموریان، حکام محلی، سلطه تزارها، و دوران هفتاد ساله کمونیست‌ها، اشکال گوناگونی به خود گرفته است. بعد از انقلاب کمونیستی به مسلمانان روسیه اجازه داده شد تا کنفرانس خود را تشکیل دهند که مربوط به تشکیل دولت های فدرال و خودمختار اسلامی در کشور شوروی بود. در کنگره چهارم مسلمان خوقند، جمهوری ترکستان را (غیر از بخارا و خیوه) تشکیل دادند و در ماه مه ۱۹۱۸ در کنگره پنجم، جمهوری فدرال شورای ترکستان بوجود آمد و جمهوری ترکستان بخشی از فدراسیون شوروی گردید. در ژوئیه همان سال نیروهای روسی ضد کمونیست از این منطقه اخراج شدند و ترکستان کاملاً زیر سیطره کمونیست ها رفت و در سال ۱۹۲۰ خیوه که به خوارزم تغییر نام داده بود، جمهوری شورای خوارزم را اعلام کرد. و در سال ۱۹۲۴ دولت شوروی برای تضعیف مسلمانان و بر هم زدن اتحاد آنها تصمیم به تجزیه ترکستان گرفت و در ۲۷ اکتبر ۱۹۲۴ جمهوری های شوروی سوسیالیستی ترکمنستان در سرزمین ماوراء خزر و ترکستان در مناطق غربی بخارا و در جنوب خوارزم جمهوری سوسیالیستی ازبکستان در بقیه سرزمین ترکستان خوارزم و بخارا بود. در همان زمان جمهوری خودمختار تاجیکستان و جمهوری ازبکستان و جمهوری خود مختار قراقیز که در سال ۱۹۲۵ به جمهوری قرقیزستان نام گذاری شد تشکیل شدند. و در آوریل ۱۹۲۵ نیز جمهوری خودمختار قزاقستان بوجود آمد. در این دوران شورش های متعددی که منجر به دخالت روس ها می شد صورت گرفت به هر حال حکومت کمونیستی به مدت ۷۰ سال در منطقه ادامه یافت، تا اینکه پس از کودتای اوت ۱۹۹۱ این کشورها به استقلال رسیدند. تا قبل از فروپاشی نظام کمونیستی تنها حزب حاکم، حزب کمونیست و سیستم اداری جمهوری ها از مرکز اعمال می شد. این جمهوری ها در کنار نقاط اشتراک فراوان دارای تفاوت های هستند که ارائه نسخه واجد جهت تعامل با آنها را غیر منطقی کرده است.

در سالهای پس از فروپاشی شوروی و ایجاد واحدهای سیاسی جدید در این منطقه تحولات و رویدادهای متعدد رخ داده است. با وجود پویایی های سازنده منطقه ای در آسیای مرکزی، اما تحولات اختلاف برانگیز در کنار آن بیشتر به چشم می خورد. در این ارتباط یکی از مشکلات و معضله هایی که برای دولت های این مناطق وجود دارد قاچاق مواد و همجواری آن با تولید کننده بزرگ مواد مخدر یعنی افغانستان می باشد. در تقابل این تهدید دولت های منطقه ضمن تقویت نیروهای ملی مبارزه با مواد مخدر، همکاری های مشترک منطقه ای را نیز انجام داده اند. مشکل دیگری که امنیت این کشورها را تحت تاثیر قرار داده است مخاطرات ناشی از تجزیه طلبی وقوع ناآرامی های سیاسی می باشد. که در این ارتباط در چارچوب سازمان هایی مانند سازمان همکاری شانگهای، جامعه همسود، پیمان امنیت دسته جمعی - جامعه اقتصادی اوراسیا، تمهیدات مشترک را در جهت حفظ وضعیت موجود در منطقه انجام داده اند. این کشورها هر چند در جهت تحکیم استقلال خود تلاش می کنند اما به چالش های جدی سیاسی و اقتصادی مواجه هستند و خیم تر شدن شرایط اجتماعی موجب شدت گرفتن جو رقابت میان گروههای نژادی مختلف شده است و چشم انداز افزایش نقش میان آنها را تقویت می کند. در چنین شرایطی عدم انطباق مرزهای سیاسی و نژادی زمینه چشمگیری برای اختلاف ایجاد می کند.

مشکل دیگری که امنیت و حاکمیت این کشورها را تحت تاثیر قرار داده است تروریسم و جنایات سازمان یافته فرامرزی می باشد که این کشورها با آن دست و پنجه نرم می کنند. البته همکاری هایی در میان این کشورها در جهت مقابله با آن در زمینه های اطلاعاتی و عملیات مخفی تا استفاده از نیروهای مسلح را در بر می گیرد. دخالت قدرت های خارجی در ترتیبات امنیتی در آسیای مرکزی در بسیاری از زمینه ها، توانمندی و ضعف های را نشان می دهد که از رقابت و درگیری استراتژیک آنها در منطقه نشات می گیرد. این رقابت استراتژیک ممکن است افزایش یابد و بر بی ثباتی این کشورها دامن بزند.

بنابراین فضای امنیتی در آسیای مرکزی در زمینه های مختلف در حال تخریب است و پتانسیل منازعه در داخل کشورها رو به افزایش است. در منطقه آسیای مرکزی، ازبکستان دارای اهمیت ویژه ای است که این خود از این امر ناشی می شود که با روسیه مرز مشترک ندارد، و از موثرترین نیروی نظامی برخوردار است. در زمینه انرژی خود کفا است و در نیمه دوم دهه ۹۰ سیاست امنیتی و خارجی مستقل و یا حتی غربرگیرانه اتخاذ نمود. و از لحاظ جمعیت نیز در میان جمهوری های دیگر این منطقه، بیشترین جمعیت را داراست. این کشور بیشترین تحرک نظامی - امنیتی در آسیای مرکزی را مد نظر قرار داده است.

اما همانطور که در قبل در اشاره با مشکلات و معضلات امنیتی که گریبانگیر کشورهای آسیای مرکزی شده، ازبکستان بیشتر با آن درگیر می باشد. این کشور هم با این مشکلات و معضلات دست و

پنجه نرم می‌کند و آنها را تهدید و خطری بر حاکمیت و امنیت خود می‌داند. در این کشور شرایط اقتصادی - اجتماعی و نرخ بیکاری بالای ۵۰ درصد بستر مناسبی را برای نارضایتی در کشور ازبکستان ایجاد کرده است. این کشور تروریسم، جنایات سازمان یافته فرامرزی را نیز خطری برای حفظ حاکمیت خود می‌داند. از طرف دیگر مشکلی که با آن برخورددار است. دارای مرزهای مشترک با افغانستان و نیز چهار کشور دیگر آسیای مرکزی می‌باشد که بر مشکلات، این کشور دامن می‌زند. اما سوال اساسی بر این است با توجه به مسائل فوق و در میان مجموعه عوامل تهدید چه عاملی توانسته است تهدید امنیتی جدی برای کشورهای آسیای مرکزی بویژه دولت ازبکستان باشد؟ یا به عبارتی دیگر در میان مجموعه عوامل تهدیدزا چه عامل توانسته است در منطقه آسیای مرکزی رقیب اصلی یا مخالف جدی حکومت ها بویژه حکومت ازبکستان در منطقه باشد؟

سوال فرعی:

آیا تنوع قومیت توانسته تهدید جدی و عامل اصلی ناامنی در منطقه آسیای مرکزی بویژه ازبکستان باشد؟

فرضیه های پژوهش:

بر مبنای سوال های ارائه شده می توان دو فرضیه در مورد علت ناامنی و تهدید علیه دولت های این کشورها بویژه ازبکستان مطرح کرد که عبارت است:

۱- بنیادگرایی اسلامی رقیب اصلی و تهدید جدی علیه امنیت و حاکمیت این کشورها بویژه ازبکستان است.

۲- تنوع قومیت نمی تواند به عنوان رقیب اصلی و تهدید جدی علیه امنیت و حاکمیت این کشورها بویژه ازبکستان باشد.

فرضیه اصلی:

در پاسخ به سوال اصلی این پژوهش فرضیه اصلی ما بر این است:

بنیادگرایی اسلامی عامل اصلی در ناامنی و تهدید علیه حاکمیت این کشورها به ویژه ازبکستان است.

فرضیه فرعی:

تنوع قومیت نمی تواند به عنوان عامل اصلی ناامنی و تهدید علیه حاکمیت این کشورها بویژه ازبکستان باشد.

متغیرهای پژوهش:

با توجه به مطالعات تاریخی و همچنین نکات مورد توجه پژوهشگران که در ارتباط با مسائل مناطق آسیای مرکزی کار کرده اند، متغیرهای متفاوتی را در ارتباط با عامل تهدید یا ناامنی در این مناطق بویژه ازبکستان مورد توجه قرار داده‌اند مانند؛ تروریسم، جنایات سازمان یافته فرامرزی، قاچاق مواد مخدر، وقوع ناآرامی‌های سیاسی ضعیف اقتصادی و بیکاری... اما این عوامل کافی به نظر نمی‌رسد، و متغیر و عامل مهم درگیری در ایجاد ناامنی و تهدید علیه امنیت آن کشورها، بویژه ازبکستان مد نظر است که عبارت است از:

۱- بنیادگرایی اسلامی:

بنیادگرایی اسلامی نقش و نفوذ آن که بویژه در قبل از فروپاشی شوروی شروع شده بعد از آن هم (پس از فروپاشی شوروی) و با توجه به فضای موجود در داخل کشورهای آسیای مرکزی بعد از فروپاشی، و همچنین برنامه‌های پیش روی گورباچف قبل از آن، و در کنار آن نفوذ کشورهای منطقه ای نقش مهم و موثری در شدت و حدت مناسبات منطقه‌ای بین این کشورها بویژه ازبکستان داشته است، توانسته است رقیب اصلی درنا امن سازی منطقه آسیای مرکزی، بویژه ازبکستان باشد.

۲- تنوع قومیت:

تنوع قومیت همچنین یکی از مشخصه‌های اصلی این کشورها چه قبل از فروپایی و چه بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی می باشد. تنوع قومیت توانسته است تاثیری در خطی مشی سیاسی و فرهنگی این کشورها بر جا گذارد. هر یک از این جمهوری دارای اقلیتی از قومیتها و ملیتهای گوناگونی در سرزمین های خود هستند. به گونه ای سیاست دولت های این مناطق را تحت تأثیر قرار داده است.

بررسی ادبیات موجود:

در میان آثار و نوشته هایی که پیرامون موضوع مورد بحث به نگارش درآمده اند، هیچ کدام موضوع را به طور مستقل مورد بحث و تحلیل قرار نداده اند و تنها چند اثر انگشت شمار می توان یافت که این مساله را به طور سطحی و حاشیه ای بررسی کرده اند که محدوده زمانی ما را در بر نمی گیرد. از آثار مرتبط در این زمینه را می توان به کتاب آلیسون روی ولنا جانسون یعنی «امنیت در آسیای مرکزی»، چارچوب نوین بین المللی، ترجمه محمدرضا دبیری اشاره کرد. این کتاب حاصل کنفرانسی تحت عنوان

آسیای مرکزی در چارچوب جدید امنیتی است که در دسامبر ۱۹۹۹ بر گزار شد و دربرگیرنده مقاله های متفاوت موجود در آسیای مرکزی می باشد. آنچه که در این کتاب در ارتباط با موضوع پژوهش برخورد می کنیم به طور سطحی و پراکنده در صفحات مختلف اشاره می کند و از طرفی این کتاب از لحاظ محدوده ی زمانی هم بدور بوده است.

کتاب دیگری که می توان به آن اشاره کرد کتاب، «سیاست و حکومت در آسیای مرکزی»، نوشته دکتر الهه کولایی می باشد. این کتاب هم در ارتباط با موضوع مورد نظر که اینکه عامل اصلی عدم امنیت در این کشورها آسیای مرکزی بویژه ازبکستان می باشد اشاره نکرده و از لحاظ زمانی نیز این کتاب بدور بوده و مسائل را بیشتر توصیفی بیان کرده است. این کتاب بیشتر به ویژگی های جغرافیای، تاریخی، سیاسی این کشورها اشاره کرده است.

کتاب دیگر «گسلهای منازعه در آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی» نوشته آلبر اولگا می باشد. همانطور که از عنوان کتاب پیداست نقاط بحران خیز و گسل های موجود در منطقه را مورد بررسی قرار می دهد. یکی از این بحران های موجود، بنیاد گرایی در منطقه می باشد. قصد جمع آوری اطلاعات آن بوده تا کانون های بحران را تا سال ۲۰۱۵-۲۰۲۰ شناسایی شود، اما می بینیم بیشتر اطلاعات جمع آوری شده پیش از حملات ۱۱ سپتامبر بوده و به آن بخش از اطلاعات که بعد از این حملات مربوط می شود کمتر اشاره نموده است.

کتاب دیگری که در این زمینه می توان به آن اشاره کرد «مجموعه مقالات دهمین همایش بین المللی آسیای مرکزی و قفقاز» می باشد. این کتاب دربرگیرنده مقالات مختلف از نویسندگان می باشد. در این کتاب دو مقاله آن هم در فصل اول در ارتباط با موضوع مورد نظر اشاراتی داشته است. و در این میان مجموعه ای از عوامل چون افراط گرایی سیاسی - گسترش تسلیحات، تضاد بر سر آب و مرز، مواد مخدر- از عوامل بی ثباتی و تهدیدکننده امنیت این کشورها می داند. و از طرفی مشکل و منازعه در میان این جمهوری ها را نابرابری و محرومیت ها می-داند که این عامل خود می تواند معضل بزرگی برای آن کشورها ایجاد بکند. بنابراین می بینیم که اشاره قاطع به دلیل اصلی این ناامنی و تهدید برای این کشورها اشاره نکرده است.

محمد قراگزلو در کتاب «ظهور و سقوط بنیاد گرایی ۲»، چگونگی پیدایش و سقوط گروه بنیاد گرایی طالبان را مورد بررسی قرار می دهد ولی مطلبی در باب ارتباط این گروه و تأثیر آن بر جریان بنیاد گرایی اسلامی بیان نمی دارد. نویسنده قدرت گیری این گروه را در سایه تلاش های پاکستان و عربستان و ایالات متحده مورد بررسی قرار می دهد. قراگزلو در کتاب خود نکاتی در باب بنیاد گرایی اسلامی

بیان داشته که بیشتر در جهت معرفی طالبان بهره جسته و به سایر جریانات بنیادگرایی اسلامی نقش و نفوذ آن پرداخته است.

از مقالاتی که می توان به آن اشاره کرد، مقاله "ازبکستان در مسیر انقلاب یا اصلاحات" نوشته سید رسول موسوی می باشند. در این مقاله به موضوعاتی چون شکل گیری ازبکستان، استقلال و اقتدارگرایی حذف مخالفین سیاسی، حرکت های اسلامی جنبش های توده ای اشاره کرده است. در ارتباط با حرکت های اسلامی با اشاره به دو حزب، حزب التحریر و حرکت اسلامی بیشتر به توصیف و تشریح این حرکت ها پرداخته است. و این مقاله نقش و اهمیت خاص و قاطعی برای این جنبشها که می توانند تهدیدی واقعی برای این کشور باشد اشاره ای نکرده است.

مقاله دیگری که می توان اشاره کرد، "زمینه های بنیادگرایی اسلامی در آسیای مرکزی"، نوشته دکتر الهه کولایی می باشد. این مقاله ضمن بررسی زمینه های بوجود آمدن بنیادگرایی در منطقه و توضیح هر یک از این زمینه ها به این نتیجه رسیده است که مجموعه ای از عوامل درونی و بیرونی اسلام گرایی در آسیای مرکزی را تقویت کرده است. و نخبگان سیاسی آسیای مرکزی نیز اسلام سیاسی را مهمترین رقیب سیاسی خود آورده کرده اند. بنابراین این مقاله بیشتر به ریشه های بنیادگرایی اسلامی در منطقه اشاره دارد، و کمتر به اینکه این عامل توانسته است نقش اصلی در مناسبات منطقه بویژه ازبکستان بازی نماید اشاره ای داشته باشد.

هدف پژوهش:

آنچه در این ارتباط واضح می باشد هدف پژوهش، اثبات فرضیه اصلی است، لذا با توجه به اینکه در مورد تحولات اخیر در ازبکستان و همچنین نقش موثر بنیادگرایی اسلامی در این کشور تبیین علمی و مستقل و قابل قبول صورت نگرفته است و بیشتر آثار، این موضوع را به صورت سطحی و پراکنده و جزئی مورد بحث گذاشته اند. لذا گامی بیشتر در بررسی این پژوهش جهت افزایش معلومات نیاز می باشد.

پیامدهای اثبات فرضیه اصلی:

در صورت اثبات فرضیه اصلی یعنی بنیادگرایی اسلامی به عنوان عامل و رقیب اصلی ناامنی و تهدید علیه حاکمیت این کشورها بویژه ازبکستان و جوامع مختلف آن تاکید زیادی صورت می گیرد. و به لحاظ

تجربی محک خورده و قدرت توضیحی و تبیین آن در این مورد مثبت تلقی می شود. که این امر طبیعتاً به ارزش تجربی این نظریه می افزاید. در صورت ردّ فرضیه اصلی طبعاً از دامنه قدرت تبیینی نظریه مزبور و فرضیه های مبتنی بر آن کاسته خواهد شد. به لحاظ عملی، اثبات فرضیه به این معنا خواهد بود لازمه ایجاد امنیت و حفظ حاکمیت و استقلال بیشتر و جلوگیری از گسترش بنیادگرایی اسلامی را لازم است.

نقطه تمرکز:

این پژوهش از نظر موضوعی رقیب و عامل ناامنی و تهدید علیه حاکمیت کشورهای منطقه آسیای مرکزی بویژه ازبکستان از لحاظ زمانی سالهای ۱۹۹۱ و مکانی کشور ازبکستان و بعد از فروپاشی اتحاد شوروی را شامل می شود.

سازماندهی پژوهش:

این پژوهش در چهار فصل تنظیم شده است که فصل اول این پژوهش کلیات و تعریف مفاهیم را در بر می گیرد. فصل دوم این پژوهش اشاره به بررسی ویژگی های سیاسی، اجتماعی، و فرهنگی کشور های آسیای مرکزی و در نهایت اثبات فرضیه فرعی یعنی تنوع قومیت دارد. در فصل سوم به بررسی پیشینه تاریخی اسلام و بنیادگرایی اسلامی در هر یک از جمهوری های آسیای مرکزی پرداخته شده است. در فصل چهارم که آخرین فصل این پژوهش می باشد به بررسی عامل بنیادگرایی اسلامی در کشور های آسیای مرکزی به ویژه در کشور ازبکستان و اثبات فرضیه اصلی پرداخته و در نهایت جمع بندی و نتیجه گیری نهایی آورده شده است.

تعریف مفاهیم:

خاستگاه و رشد بنیادگرایی:

کلمه بنیادگرایی برگرفته از کلمه لاتین «Fundamentum» به معنای شالوده و اساس است. معادل این واژه در زبان عربی «لاصولیه» است که به معنای بازگشت به اصول و مبانی می‌باشد.^۱ این واژه برای نخستین بار در مباحثاتی در درون مذهب پروتستان امریکایی، در اوایل قرن بیستم به کار رفت بین سالهای ۱۹۱۰ و ۱۹۱۵ میلادی پروتستان‌های کلیسای انجیلی یک رشته جزوات را تحت عنوان مبانی منتشر کردند و طی آن به تایید خطاناپذیری یا حقیقت نص کتاب مقدس در برابر تفسیرهای جدید از مسیحیت پرداختند. با این حال واژه بنیادگرایی در کاربرد معاصر آن مرتبط با تمامی ادیان بزرگ جهان است. اصطلاح بنیادگرایی تا پیش از دهه هفتاد و میلادی رواج چندانی در دنیای معاصر نداشت اما پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران جهان اسلام، عموماً شاهد خیزش و بیداری اسلامی فزاینده ای شد که رفته رفته اصطلاح بنیادگرایی یا اصولگرایی برای این پدیده نوین رایج شد. باید به این نکته اشاره کرد که هنوز در بین صاحب نظران در مورد علل و ریشه های بنیادگرایی و نقاط اشتراک و افتراق بنیادگرایی مذهبی و اینکه چه تعریف کامل و واضحی در ارتباط با بنیادگرایی می‌توان ارائه داد دیدگاه‌ها و نظرهای مختلفی وجود دارد. بنابراین می‌بینیم که بنیادگرایی در معانی گوناگون به کار رفته که نمی‌توان وجه مشترک خاصی را پیشنهاد نمود تنها ویژگی مشترک این کاربردها را می‌توان تقابل آن با مدرنیته غربی عنوان کرد.

نقطه قوت عظیم بنیادگرایی، به آن گونه که در اثر گسترش جنبش‌های بنیادگرا در اواخر قرن بیستم نشان داده شد، قابلیت آن به لحاظ ایجاد عمل‌گرایی سیاسی و بسیج ایمان است. و موفقیت مهم آن در پرداختن به آمال کسانی که به لحاظ اقتصادی و سیاسی، در حاشیه قرار داشته‌اند. با این حال یکی از محدودیت‌های بنیادگرایی این است که سرشت ساده آن، مانع از آن می‌شود که بتواند به مسائل پیچیده بپردازد. و یا راه‌های کامل‌ارایه نماید. برجسته‌ترین ویژگی بنیادگرایی این است که به دنیای نوین پشت می‌کند.^۲

^۱ - غلامرضا خسروی، "درآمدی بر بنیادگرایی اسلامی"، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۳۱ (بهار ۱۳۸۵) ص ۱۲۲.

^۲ - اندرو هی وود، درآمدی بر ایدئولوژی‌های سیاسی؛ از لیبرالیسم تا بنیادگرایی دینی ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی (تهران: وزارت امور خارجه مرکز چاپ و انتشارات ۱۳۷۹)، ص ۴۹۵.

^۳ - همان، ص ۵۱۰.

بابی سعید استاد جامعه‌شناسی دانشگاه منچستر، همچنین مدیر مرکز مطالعات جهانی شدن «Globalization» و اروپا‌مداری «Euro centrism» و حاشیه‌ای بودن «Marginality» است معتقد است که طرح و شالوده‌بندی مفهوم بنیادگرایی به عنوان اصطلاحی اصلی برای تطبیق تضادهای سیاسی، از مکان‌هایی مانند (کارخانه‌های فکری در مراکز ما در شهرهای نظیر واشنگتن و لندن برخاسته است)، بنابراین «غیرعادی بودن و افراط‌گرایی بنیادگرایی در مقابل اعتدال و منطق‌پذیری هژمونی غربی قرار می‌گیرد»^۱ بنیادگرایی یکی از مظاهر گسترش تعارض در سطح فرهنگ‌های جهانی تلقی می‌شود که با «مرکززدایی از غرب بر خودآگاهی فرهنگی و سنتی»، تاکید می‌کند. تعریف بنیادگرایی دینی: با توجه به اینکه دیدگاه‌های متفاوتی در ارتباط با بنیادگرایی دینی مطرح شده و به دنبال آن موجب گشته تا تعریف گسترده و متفاوتی از این مفهوم ارائه شود اما در این میان به چند تعریف بسنده می‌کنیم:

«آندروهی وود» معتقد است که بنیادگرایی دینی بر گذشته‌نگری تاکید می‌ورزد و آشکارا با نوگرایی می‌ستیزد اما به همان اندازه ی نوگرایی، خود مخلوق دنیای نوین است.^۲

«بروس لاوروس» در کتاب «مدافعان خدا، شورشی بنیادگرایانه علیه عصر مدرن»، بنیادگرایی را اینگونه تعریف می‌کند:

«باور به اقتدار مذهبی به طور کامل و مطلق و همچنین نپذیرفتن هیچگونه نقد در آن، بنیادگرایی بیان می‌کند که دستورات اخلاقی و اعتقادی خاص از متون مقدس گرفته شده باید در تمام خواسته‌های جمعی آشکارا مورد قبول قرار بگیرد و اجرا شود»^۳

«احمد الموصلی» معتقد است بنیادگرایی با دعوت به تفکیکی عوامل بنیادین تاریخ، هیچ مشروعیتی برای الزامی بودن تئوری‌ها، قائل نیست و همواره بر استخراج مفهوم اسلام ناب از منابع و متون اصلی با توجه به واقعیتها و مشکلات کنونی تاکید دارد.^۴

^۱ - بابی سعید، هراس بنیادین، اروپامداری و ظهور اسلام گرای، ترجمه غلامرضا جمشیدی، موسی عنبری، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، موسسه انتشارات چاپ ۱۳۷۹) ص ۸.

^۲ - Work, wood Colton. E & j. whitmroe. **Islam Versus the West: Fundamentalism Takes Many Forms besides Terrorism.** Newsweek: June 1985, Pp. 23- 28.

^۳ - هی وود، پیشین، ص ۴۹۶.

^۴ - Bruce, Lawrence. "Defender of cod: the Fundamentalist Revolt Agents the Modern. Age." <http://religiousmovements.lidivrginia.edu/nrms/funda.htm>. June. 2006.

^۵ - احمد الموصلی، اصول گرای اسلام و نظام بین الملل؛ مترجم مهرداد آزاد اردبیلی، (تهران: کیهان ۱۳۷۷)، ص ۱۹.

«حمید احمدی» معتقد است: منظور از بنیادگرایی دینی اشاره به گروه‌هایی است که بنا به دلایلی با فرایندهای حاکم بر شرایط روز مخالفت می‌کنند و با ارجاع به بنیادهای اصلی دین خود، نوعی جامعه ایده‌آل ذهنی ترسیم می‌کنند و وضعیت موجود را به دلیل عدم تطابق با آن جامعه ایده‌آل به نقد می‌کشند. بنابراین بنیادگرایی نگاه حسرت‌گونه از شرایط مدرن به شرایط اولیه و پیشین است بنیادگرایان قصد زنده کردن بنیادهای غیرقابل نقد و مقدس را در روزگار مدرن دارند.^۱

«فضیل ابوالنصر» معتقد است که بنیادگرایی دعوت به نوگرایی می‌کند و گرفتن ابزار دانش و علم را به معنای غرب‌گرایی نمی‌داند و خود را وامدار تمدن و فرهنگ غرب نمی‌انگارد.^۲ بنابراین بنیادگرایی با اینکه با نوگرایی موافق است اما غرب‌گرایی را مردود می‌شمارد.

«محمود طلوعی» در کتاب فرهنگ جامع سیاسی، بنیادگرایی را یک اصطلاح قدیمی می‌داند که در گذشته در مورد متعصبین مذهبی بخصوص آن دسته از مسیحیانی که حاضر به پذیرفتن هیچگونه تعبیر و تفسیر و انحراف در کتاب مقدس نیستند، به کار می‌رفت.^۳

«توماس هایر» معتقد است بنیادگرایی یک جنبش تمامیت‌خواه خود سر است که گرایش درون آن مقابله با فرایند مدرنیته، اندیشه، عمل، رویه‌های زندگی و حیات عمومی بوده و در درصد بازگرداندن تعیین مطلق، تکیه‌گاه مستحکم، ثابت، گاهی مطمئن و گرایش تردیدناپذیر از طریق رد غیرعقلانی تمام بدیل‌هاست.

«آنتونی گیدنز» بنیادگرایی را بیان یکپارچگی جهان و بازتاب آن می‌داند. وی اصول ثابت همه بنیادگرایی‌ها را امتناع از تساوی زن و مرد و دفاع قاطعانه از خانواده سنتی و رویگردانی از مرام مدرنیته می‌داند ساده‌ترین تعریف از بنیادگرایی از نظر وی «بنیادگرایی اساساً امتناع از گفتگو»^۴ می‌باشد.

ویژگی‌های بنیادگرایی دینی:

ویژگی‌های بنیادگرایی را از دیدگاه اندیشمندان گوناگون مورد بررسی قرار می‌دهیم:

۱ - حمید احمدی، «نگاهی به پدیده بنیادگرایان اسلامی» ناکام در بستر تاریخ، «فصلنامه مطالعات خاورمیانه»، شماره ۲۸، زمستان ۱۳۸۰، ص ۲۰۲.

۲ - فضیل ابوالنصر، رویارویی غرب‌گرایی و اسلام‌گرایی، مترجم حجت‌ا... جودکی، (تهران: وزارت امور خارجه، مرکز چاپ و انتشارات ۱۳۷۸) ص ۴.

۳ - محمود طلوعی، فرهنگ جامع سیاسی، (تهران: انتشارات نشر علم، چاپ دوم، ۱۳۷۷)، ص ۲۸۵.

۴ - آنتونی گیدنز، جهان رها شده، ترجمه: اصغر سعیدی و یوسف حاجی عبدالوهاب، (تهران: نشر علم و ادب ۱۳۷۹)، ص